

گزارش «فرهیختگان» از پشت صحنه ضبط برنامه «اکنون» که علی‌رغم استقبال عمومی پس از پخش تنها یک قسمت توقیف شد

# پایان باز



عاطفه جعفری  
دبیر گروه فرهنگ

«اکنون قرار است حرف جدید داشته باشد، سفری به عمق تجربیات انسانی و جهان کتاب‌ها، فیلم‌ها، موسیقی‌ها و...» این تعریفی است که خودشان از «اکنون» دارند؛ برنامه‌ای که قرار است با تجربیات شخصی آدم‌های شناخته‌شده، از فرهنگ و هنر به خصوص کتاب بگوید. مخاطبان تلویزیون حتما برنامه «کتاب‌باز» با اجرای سروش صحت را به یاد دارند، برنامه‌ای که چند فصل به روی آنتن شبکه نسیم رفت. یا تغییرات صداوسیما در سال ۱۴۰۰، تیم کتاب‌باز سعی کرد تا در تلویزیون باقی بماند چون معتقد بودند که این برنامه می‌تواند مردم را سرگرم سازد و مخاطب خودش را دارد، اما بعد از گذشت ۳ سال از دوران تحول، کتاب‌باز به تلویزیون برنگشت و حالا با اکنون به نمایش خانگی آمدند تا همان حس و حال خوب کتابی را ادامه بدهند. اکنون؛ کتاب‌باز نیست و ایده‌های جدید گذاشته شده تا مخاطب فعلی که با ندیایی از اطلاعات در گوشی‌اش سرگرم است؛ بتواند یک گفت‌وگو داغ فرهنگی را ببیند و چشم از تلویزیون بردارد.



عاطفه جعفری، دبیر گروه فرهنگ

## ۳ گذشته یا آینده؟ اکنون

مصاحبه تمام می‌شود، مهمان و سروش صحت در اتاق گرمند و بعد از گرم عکاسی انجام می‌گیرد، جایی که دکور برنامه درست شده بالکنی دارد. مهمان که از نویسندگان طنزپرداز معروف است به همراه سروش صحت به بالکن می‌روند تا گپ‌گفتی داشته باشند، قبل از اینکه ضبط برنامه شروع شود.

همه عوامل در حال تدارک صحنه‌اند، جلو می‌روم تا کتاب‌ها را از نزدیک ببینم، از بیشتر نویسندگان ایرانی و خارجی کتاب‌هایی در کتابخانه گذاشته شده، چون بزرگ است، تعداد و تنوع کتاب‌ها هم زیاد است، «شاهنامه» فردوسی گوشه‌ای از کتابخانه را به خود اختصاص داده و آن طرف هم «تذکره‌الاولیا» البته بازار زمان و داستان هم در این کتابخانه داغ است. «بیتویان» و «جنگ و صلح»، از آن طرف هم داستان‌های ایرانی. یک نکته مهم در خصوص کتاب‌های این است که فقط دکور کتابخانه نیستند و مشخص است که استفاده شده و استفاده می‌شوند.

در حال نگاه کردن به کتاب‌ها بودم که فیلمبردار خواست تا همه صحنه را خالی کنند. دو میل قهوه‌ای روی روی هم و دورتا دور کتاب و گل این صحنه‌ای است که قرار است در «اکنون» به چشم مخاطب بیاید. همه چیز به سادگی دکورسازی شده تا ذهن مخاطب درگیر دکور

نشود و گفت‌وگو را ببیند. فیلمبردار اعلام آمادگی می‌کند و سروش صحت جلوی دوربین قرار می‌گیرد تا ابتدا چند تصویر به‌تنبه‌ای از او بگیرند و بعد ضبط با مهمان را ادامه بدهند. کت زرشکی رنگ را به تن می‌کند و جلوی دوربین قرار می‌گیرد؛ با یک دو سه و کلاکت زن؛ تنها صدایی که در دکور به گوش می‌رسد، این است؛ «گذشته یا آینده؟ اکنون. سلام سلام سلام...» چند بار این شروع را می‌گیرند و بعد تهیه‌کننده اکلی نهایی را می‌دهد. ضبط که قطع می‌شود، افشین صادقی زاده به سروش صحت نزدیک می‌شود و متن‌های گفت‌وگو با مهمان را با او نهایی می‌کند. مهمان که نمی‌توانم اسمش را بگویم و باید محفوظ بماند؛ با خنده وارد دکور می‌شود و با نکاتی که می‌گوید همه عوامل را می‌خنداند. رضاییان می‌خواهد که مهمان و سروش صحت از صحنه بیرون بروند و با هم به داخل بیایند تا ضبط را شروع کنند؛ مهمان همین موضوع را دست‌انبریز سوزن طعنی می‌کند و دوباره همه را می‌خنداند. دوربین‌ها به سمت در ورودی دکور می‌چرخد و مهمان و مجری را تا نشانستن روی میل‌های قهوه‌ای همراهی می‌کند. دوباره ضبط را قطع می‌کنند تا بتوانند جای دوربین‌ها را درست و زاویه را تنظیم کنند. بعد از انجام همه کارها، عوامل پشت صحنه سر جای خودشان قرار می‌گیرند تا برنامه جدید را ضبط کنند.

## ۴ مهمانان متنوع و تاثیرگفت‌وگوکردن

مهمانان برنامه متنوعند؛ از دنیای هنر، ادبیات، فلسفه، شعر، علم، ورزش و... قرار است مخاطب به تماشای لحظات تاثیرگذار زندگی آن‌ها بنشیند؛ گفت‌وگو کردن برای سروش صحت همیشه مهم بوده است و هر جایی هم که صحبت کرده، از گفت‌وگو کردن گفته و آن را راه‌حل درست دانسته است. در گفت‌وگویی که با او در تابستان سال گذشته داشتیم؛ وقتی از کتاب‌باز و اتفاقاتی که برای آن افراد پرسیدیم؛ گفت: «کتاب‌باز محبوب‌ترین کاری بوده که انجام داده‌ام و جنس دیگری برلم داشته و دارد. خیلی زیاد دوستش داشته‌ام و روی من و عقایدم بسیار تاثیر داشته است. من با ۴۵۰ نفر آدم متخصص در حوزه‌های مختلف که در حوزه خودش خوب بوده‌اند، هر کدام

یک ساعت صحبت کرده‌ام، یعنی ۴۵۰ ساعت. صحبت با این‌ها شور و شوق زیادی در من ایجاد کرده است و البته چیزهای دیگر که چون شعاری است از گفتن آن‌ها خودداری می‌کنم. « از فواید و تاثیر گفت‌وگو کردن پرسیدم و گفت: «راه دیگری نیست. امام محمد غزالی در جایی اعلام کرده بوده که من از این به بعد با کسانی که هم عقیده من باشند، گفت‌وگو می‌کنم، چون اگر با دیگران وارد بحث شوم، نه آن‌ها نظرشان عوض می‌شود و نه من. اما به نظر من چاره‌ای جز گفت‌وگوکردن نیست یا آدم‌ها باید کاملاً ملایم‌تر یا بپذیرند یا اینکه کمی بپذیرند و کمی گفت‌وگو کنند، یعنی ترکیب پذیرش و گفت‌وگو.»

## ۵ من کرم کتابم

تنبه‌صدایی که در آنجا شنیده می‌شود صدای صحت و مهمان طنزپرداز است. نخواندند یا توجه به صحبت‌هایی که جلوی دوربین انجام می‌گیرد. کار خنده است و همه در پشت صحنه آرام و بی‌صدا می‌خندند و همین صحنه عجیبی را پشت دوربین ایجاد کرده است. در حال صحبت در خصوص تنبلی مهمان برنامه‌اند و گفت‌وگویشان به تنبلی‌های رسد که چه ویژگی‌هایی دارند و دوباره صدایی با صدایی آن دو نفر و صدای خنده‌ی می‌صدای همه در پشت دوربین. سوال‌ها با جزئیات است و نشان از این دارد که تیم سردبیری شناخت کامل نسبت به مهمان برنامه دارند؛ البته صحت خود هم رابطه دوستانه و کاری با مهمان معروفش داشته و همین هم باعث شده تا سوال‌ها از

کلیشه‌ها همیشه خارج شود. مهمان برنامه از کرم کتاب‌بودنش می‌گوید و اینکه همیشه کتاب دوست داشته و خوانده. صحبت هم این موضوع را تایید می‌کند و کمی در مورد چیزهایی که می‌خوانند، می‌گوید؛ من هم یاد گفت‌وگویی افتادم که با هم داشتیم و از او درباره چیزهایی که می‌خواند پرسیدم و گفت: «اگر سرکار نباشم، می‌خوانم، اصولاً در روز زیاد می‌خوانم. من غیر از کتاب، روزنامه، مجله و نشریات را می‌خوانم. یک سری از صفحات مجازی را هم که دنبال می‌کنم، می‌خوانم، چون مطالب‌شان برلم جالب است. به‌طور کلی حجم خواندنم بالاست. اگر فراغ‌بال داشته باشم، کتاب و اگر وقت کمی باشد مثلاً سه دقیقه، دو تا صفحه را بالا و پایین می‌کنم.»

## ۶ الاحدیث دوست

از مهمانش می‌پرسد چای می‌خورد یا قهوه؟ و قرار می‌شود که خودش چای و قهوه را بیاورد. این یعنی بخش اول گفت‌وگو به پایان رسیده، تمام که می‌شود همه شروع به دست زدن می‌کنند و رضاییان خسته نشایدی می‌گوید. استراحتی کوتاه تا بقیه گفت‌وگو را بگیرند، باز هم صادقی زاده به سراغ سروش صحت می‌رود و چند نکته را با او چک و بالا و پایین می‌کند.

چیزی به شروع ضبط نمانده و صحت در حال رفتن شعری را هم با خودش زمزمه می‌کند انگار همان شعر سعدی است؛ «آن‌ها که خوانده‌ام همه از یاد من برفت الاحدیث دوست که تکرار می‌کنم» با صدای تهی‌کننده همه عوامل به پشت دوربین می‌آیند و صحت با چای و قهوه وارد می‌شود؛ مهمان با گفتن راضی به زحمت شما نبودم؛ دوباره خنده‌ای به لب همه می‌آورد. بقیه گفت‌وگو باز هم ذکر خاطرات و علاقی است که مهمان برنامه در مواجهه با کتاب داشته. از برخی ضد و نقیض‌هایی که در زندگی‌شان رویه‌ی بوده هم صحبت می‌کند و برای صحت آنقدر این بخش جالب بود که انگار تازه با مهمانش رویه‌ی روبرو شده و برای بار اول است که او را می‌بیند. نیم ساعتی گفت‌وگو می‌کنند و حرف‌ها پایان می‌گیرد و ضبط تمام. دوباره صدای خسته‌نشایدی‌ها بلند می‌شود و صحت از کیفیت و مدل گفت‌وگو می‌پرسد و رضاییان تایید می‌کند که گفت‌وگویی خوبی بوده و حتما مردم آن را دوست خواهند داشت.

یکی از عوامل وارد می‌شود و می‌گوید مهمان بعدی که یک

## ۱ گفت‌وگو، گفت‌وگو و گفت‌وگو

«فکر می‌کنم چه در کشور ما و چه در همه دنیا آدم‌ها با عقاید، نظرات و دیدگاه‌های مختلف بتوانند با یکدیگر حرف بزنند. اگر این اتفاق رخ دهد جهان جای قابل زیست‌تری می‌شود و بسیاری از مشکلات حل می‌شود. در همین برنامه هم این رویکرد وجود دارد که آدم‌ها با سلیقه‌های مختلف دعوت می‌شوند و باب گفت‌وگو با آن‌ها باز می‌شود. من و شما لزومی ندارد که حتما هم عقیده باشیم. این درست است که وقتی انسان با هم عقیده‌های خودش صحبت می‌کند لذت بخش است؛ چراکه حرف‌های مشترک تکرار می‌شود و گویی حرف خودمان را از زبان دیگری می‌شنویم. ولی اتفاقاً جایی گفت‌وگو به درد می‌خورد که انسان بتواند با کسی که عقیده یکسانی ندارد حرف بزند. این کار هم باعث می‌شود هم افق دید شما گسترده‌تر شود و هم افق طرف مقابل‌تان. آدم‌ها باید بتوانند حداقل اگر هیچ نوع تعاملی هم با هم ندارند با هم حرف بزنند. این گفت‌وگو خیلی تاثیرگذار است. امیدوارم فرهنگ گفت‌وگو بین انسان‌ها به جای دعوا، بن‌بست فکری، جنگ و

مخاصمه ایجاد شود. حرف زدن چند حالت دارد. ممکن است طرف مقابل حرفت را قبول کند. یا هر دو بخشی از حرف همدیگر را قبول می‌کنند و اصلاً حداقل این است که با یکدیگر حرف‌شان را زده‌اند حتی اگر با هم ارتباطی هم نداشته باشند و بعد از حرف زدن می‌گویند منطقی به این نتیجه رسیده‌ام که نمی‌توانیم با هم همکاری کنیم و هر کدام به راه خودشان می‌روند.» نگاهش همچنان با گفت‌وگو است و معتقد است گفت‌وگو تاثیرگذار است و کمک کننده. رو به دوربین می‌گوید: «گذشته یا آینده؟ اکنون. سلام سلام سلام...» اینجا لوکشین برنامه جدید سروش صحت است، قرارمان ساعت ۱ بود اما زودتر رسیدیم و عوامل در حال آماده شدن بودند، هنوز تهیه‌کننده، تیم سردبیری و سروش صحت نرسیدند. تیم در حال آماده‌سازی صحنه‌اند. دو طرف کتابخانه بزرگ با کتاب‌های متنوع که نشان از این دارد باید برای همه سلیقه‌ها کتاب باشد و معرفی شود.

## ۲ کتاب؛ دغدغه همیشگی

اکنون برنامه جدید محمد رضا رضاییان در شبکه نمایش خانگی است، آنقدر کتاب برای او مهم است که دردسرهاش را به جان می‌خرد اما می‌خواهد باز هم برنامه‌ای داشته باشد که به کتاب‌گروه بخورد و پیوندش با کتاب قطع نشود. وارد لوکشین می‌شود و با عوامل خوش‌ویشی می‌کند و می‌خواهم تا کمی با هم در خصوص این برنامه جدید صحبت کنیم، از رفتن دوباره به سراغ برنامه کتابی می‌پرسم و می‌گوید: «کتاب را دوست دارم و همیشه دغدغه ساخت این مدل برنامه را داشتم؛ من دانش‌آموخته رشته فرهنگ و ارتباطات با گرایش سیاست‌گذاری فرهنگی‌ام و این دغدغه من است که برنامه کتابی‌ای بسازم که در آن سزانه مطالعه کم مردم در سرشان کوبیده نشود، آسیب‌شناسی‌ها به آن معنا پرزنگ نباشد و کتاب‌را از دریچه سرگرمی نگاه کنیم. این مدل به مردم انگیزه دیگری می‌دهد تا به سمت کتاب بروند، بدون اینکه سرزنش کتاب‌نخواندن را بشنوند.» یکی از عوامل می‌آید و از حضور صحت خبر می‌دهد و رضاییان به اتفاق دیگری می‌رود تا او را ببینند، سوال بعدی‌ام در خصوص سرگرم‌کننده بودن برنامه کتابی است که چطور یک برنامه کتابی می‌تواند مردم را سرگرم کند و شعراهای کلی و گل درشت ندهد؛

